جستار

نوید آقایی کارشناس فضای مجازی مطرح کرد:

نگاه مثبت رئیس قوه قضاییه در باره رمزارزها

ایرانیان ماهانه هزاران میلیارد در بازار رمزارز معامله می‌کنند

رئیس قوه قضائیه روز دوشنبه در جلسه شورای عالی این قوه با بیان اینکه ممکن است موضوع رمزارزها در آینده دارایی مردم را تهدید کند، از بانک مرکزی خواست درباره این موضوع نظر شفاف خود را ارائه دهد. محسنی اژه‌ای در این نشست با اشاره به اینکه موضوع رمزارزها ممکن است در آینده دارایی های مردم را تهدید کند و برای دولت دردسر آفرین شود، گفت: دادستان کل کشور و سازمان بازرسی مأمور هستند تا از بانک مرکزی بخواهند هر چه زودتر در قبال مسئله رمزارزها و همچنین تشریح وظایف دستگاه‌های مختلف در این رابطه شفاف‌سازی کند. در همین زمینه یک تحلیلگر فضای مجازی اظهار داشت: حمت‌های آیت... آژه‌ای و دستور ایشان مبنی بر روشن شدن تکلیف وضعیت رمزارزها را باید به فال نیک گرفت. معتقدم تا زمانی که ساختاری برای رمزارزها در کشور شکل نگیرد، باید شاهد بروز تبعات آن باشیم. نوید افاقی تأکید کرد: امیدوارم صحبت‌های رئیس دستگاه قضا از منظر وجه ایجابی فناوری‌های نوین مورد توجه قرار گیرد، نه وجه سلبی آن. به باد داشته باشیم که اگر بر خود باد آید، نلوبزین، وبدتو و ماهواره و جواب داد. برخورد با این اتفاقات نوین در فضای مجازی هم جواب می‌دهد. این تحلیلگر فضای مجازی با اشاره به گردش مالی بازار رمزارز در ایران گفت: واقعیت این است که صدها هزار نفر در کشور درگیر بازار رمزارزها شده‌اند و با افعاد قابل توجهی در این حوزه مواجه هستیم. گردش مالی در بازار رمزارزها در کشور مطابق برخی گزارش‌های غیر رسمی، روزانه به بیش از چند صد میلیارد تومان رسیده است. این اعداد و ارقام و گردش مالی سنگین نشان می‌دهد که باید این حوزه را جدی گرفت و برای این موضوعات هرچه سریع‌تر تصمیم‌گیری کرد. به گفته این مدرس دانشگاه باید توجه داشته باشیم بخش عمده‌ای از مشکلاتی که امروز با آن مواجه شده‌ایم و تجمعات و اعتراضات افرادی که در این بازار به دام کلاهبرداران افتاده‌اند، به این دلیل بوده که قاعده مشخص و روشنی در کشور برای این موضوع نداریم و پیش‌بینی های لازم را نکرده‌ایم. وی افزود: مرکز ملی فضای مجازی طی چند سال گذشته جلسات متعددی با بانک مرکزی و سایر دستگاه‌های مسئول در این حوزه برگزار کرده که خروجی روشنی نداشته و همین شرایط باعث شده تا رئیس قوه قضائیه نسبت به تهیه نامه‌سامانی بازار رمزارزها هشدار دهد. افاقی با بیان اینکه بازار رمزارزها غیرقابل انکار است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت، اظهار داشت: در دنیای امروز موضوع از بازار رمزارز فراتر رفته و با مناورس مواجه هستیم اما در این شرایط نه تنها به سمت قاعده‌مند کردن و قانون‌گذاری و حتی پذیرش این موضوع حرکت نکرده‌ایم بلکه کار به جایی رسیده تا مقامات ارشد قضائی در این زمینه هشدار دهند. وی با اشاره به طرح بانک مرکزی مبنی بر راه‌اندازی رمزارز ملی اظهار داشت: اینکه بانک مرکزی اعلام کرده هر کشوری رمزارز مربوط به کشور خود را دارد و رمزارزهای در سایر کشورها هم رایج است، حرف چندان غلطی نیست اما این رمزارزها جریان اصلی بازار رمزارزها نبوده و بین فعالان این حوزه چندان مصطلح نیستند و ما با موضوع بسیار متفاوت‌تری مواجه هستیم. برداشت من از اظهارات مقامات بانک مرکزی و طرحی که از آن به عنوان رمزارز ملی سخن گفته‌اند، خدمات مالی‌ای است که قرار است در بستر وب ارائه شود. این کارشناس فضای مجازی با تاکید بر اینکه بانک مرکزی برای رمز ارزهای دیگر آغاز کند، از سوی دیگر داعش نیز اعلام آمادگی کرده است که رهبری الظواهری، رهبر سازمان القاعده را بپذیرد و آن اتفاقی که موجب جدا سازی داعش و القاعده شد را ترمیم کنند که اگر این اتفاق بیفتد، قابل هضم است که سه نیروی خلافت‌گرا، داعش، القاعده و طالبان با یکدیگر به جمع‌بندی برسند. طالبان نزدیکترین نیرو به پاکستانی‌ها هستند

نگاه

طالبان متعادل‌تر می‌شود؟

ادامه از صفحه یک / اما با وجود این مسائل بحث اصلی خط مرزی دیورند است که از نظر پاکستانی‌ها این خط مرزی باید مرز بین‌المللی شناخته شود. دو نگاه متفاوتی که وجود دارد که کژ را برای پاکستانی‌ها و طالبان سخت کرده است. به نظر می‌رسد که طالبان نیز زیر بار این خط مرزی نه آن معنا که پاکستانی‌ها انتظار دارند، نخواهد رفت مگر اینکه تحول بزرگ‌تری پیش بیاید و افغان‌ها به یک شکلی بیذیرند. طرح‌های زیادی در این خصوص مطرح شده است اما تاکنون هیچ یک عملیاتی نشده است. به هر حال مسأله پیچیده‌ای است که به این سادگی نمی‌توان این موضوع‌ها را حل و فصل کرد. به گفته این مدرس دانشگاه باید توجه داشته باشیم بخش عمده‌ای از مشکلاتی که امروز با آن مواجه شده‌ایم و تجمعات و اعتراضات افرادی که در این بازار به دام کلاهبرداران افتاده‌اند، به این دلیل بوده که قاعده مشخص و روشنی در کشور برای این موضوع نداریم و پیش‌بینی های لازم را نکرده‌ایم. وی افزود: مرکز ملی فضای مجازی طی چند سال گذشته جلسات متعددی با بانک مرکزی و سایر دستگاه‌های مسئول در این حوزه برگزار کرده که خروجی روشنی نداشته و همین شرایط باعث شده تا رئیس قوه قضائیه نسبت به تهیه نامه‌سامانی بازار رمزارزها هشدار دهد. افاقی با بیان اینکه بازار رمزارزها غیرقابل انکار است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت، اظهار داشت: در دنیای امروز موضوع از بازار رمزارز فراتر رفته و با مناورس مواجه هستیم اما در این شرایط نه تنها به سمت قاعده‌مند کردن و قانون‌گذاری و حتی پذیرش این موضوع حرکت نکرده‌ایم بلکه کار به جایی رسیده تا مقامات ارشد قضائی در این زمینه هشدار دهند. وی با اشاره به طرح بانک مرکزی مبنی بر راه‌اندازی رمزارز ملی اظهار داشت: اینکه بانک مرکزی اعلام کرده هر کشوری رمزارز مربوط به کشور خود را دارد و رمزارزهای در سایر کشورها هم رایج است، حرف چندان غلطی نیست اما این رمزارزها جریان اصلی بازار رمزارزها نبوده و بین فعالان این حوزه چندان مصطلح نیستند و ما با موضوع بسیار متفاوت‌تری مواجه هستیم. برداشت من از اظهارات مقامات بانک مرکزی و طرحی که از آن به عنوان رمزارز ملی سخن گفته‌اند، خدمات مالی‌ای است که قرار است در بستر وب ارائه شود. این کارشناس فضای مجازی با تاکید بر اینکه بانک مرکزی برای رمز ارزهای دیگر آغاز کند، از سوی دیگر داعش نیز اعلام آمادگی کرده است که رهبری الظواهری، رهبر سازمان القاعده را بپذیرد و آن اتفاقی که موجب جدا سازی داعش و القاعده شد را ترمیم کنند که اگر این اتفاق بیفتد، قابل هضم است که سه نیروی خلافت‌گرا، داعش، القاعده و طالبان با یکدیگر به جمع‌بندی برسند. طالبان نزدیکترین نیرو به پاکستانی‌ها هستند

علی بیگدلی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

«توافق ایران و آمریکا» روس‌ها و واسطه‌ها را بایکوت می‌کند

توافق ایران و آمریکا می‌تواند سنگ بنای رابطه در آینده باشد

سفر رئیسی چهره واقعی روسیه و پوتین را نشان داد

توافق ایران و آمریکا می‌تواند به یک توافق دائمی تبدیل شود

مذاکره مستقیم با آمریکا سرنوشت مذاکرات را رقم خواهد زد

ایران می‌بایست در دولت بایدن به یک توافق همه‌جانبه برسد

احتمال تکرار ریاست جمهوری بایدن ضعیف است

آرمان ملی - احسان انصاری: اظهارات وزیر امور خارجه درباره احتمال مذاکره مستقیم با آمریکا تا حدود زیادی فضای مذاکرات را تحت تأثیر قرار داده است. این در حالی است که خبرهای غیر رسمی حاکی از ارسال پیام‌هایی از سوی آمریکا برای مذاکره مستقیم با ایران بود. اگر مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا وارد فاز مذاکره مستقیم شود این احتمال وجود دارد که مذاکرات زود نه به نتیجه برسد به جای یک توافق موقت طرفین در نهایت به یک توافق دائم دست پیدا کنند که می‌تواند سنگ بنای رابطه ایران و آمریکا را دگرگون کند. دکتر بیگدلی معتقد است: «آرمان ملی» برای بررسی این موضوع با دکتر علی بیگدلی تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. دکتر بیگدلی معتقد است: «بهتر است در مدتی که از ریاست جمهوری باید بایدن باقی مانده ما به یک توافق محکم و همه‌جانبه با آمریکا دست پیدا کنیم و کاری کنیم که راه‌های شکست چنین توافقی کاملا بسته شود. ایران باید از آمریکا این مطالبه گری را داشته باشد که با توجه به اتفاقی که در دوران ریاست جمهوری ترامپ رخ داد در صورت توافق جدید را نفوذ دیگری در توافق و وجود نداشته باشد و کسی نتواند دوباره و بدون پرداخت هزینه از برجام خارج شود.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

وزیر خارجه در تازه‌ترین اظهارات خود مذاکره مستقیم با آمریکا را رد نکرده و عنوان کرد در صورت نیاز این مذاکره صورت خواهد گرفت. آیا شرایط مذاکرات ایران را به سمت چنین تصمیمی کشانده و یا اینکه اظهارات امیر عبداللهیان در پاسخ به پیام‌هایی است که آمریکایی‌ها برای ایران ارسال می‌کنند؟

مذاکرات ایران و کشورهای غربی در حالی برگزار می‌شود که کشورهایی مانند روسیه بین ایران و آمریکا واسطه‌گری می‌کردند. روسیه نیز در این مذاکرات پیش از اینکه به منافع طرفین توجه کند به دنبال منافع خود بود. به همین دلیل نیز ایران به این جمع‌بندی رسید که ادامه این وضعیت به سود ایران نیست و اهداف از پیش تعیین‌شده را محقق نمی‌کند. ما باید این نکته را در نظر داشته باشیم که تابوی مذاکره مستقیم با آمریکا در دولت آقای روحانی و توسط شورای عالی امنیت ملی کار شکسته شده است و دیگر مذاکره با آمریکا برای ما یک تابو نیست. جان کری و محمدجواد ظریف به عنوان وزرای خارجه دو کشور بارها با هم به صورت رودررو مذاکره کردند که تا قبل از آن سابقه نداشت. در نتیجه نمی‌توان مذاکره احتمالی آینده با آمریکا را یک اتفاق جدید و تابوشکنی قلمداد کرد. در دولت روحانی طرفین مذاکره به این رسیده بودند که برای اینکه مذاکرات به نتیجه برسد و توافق صورت بگیرد باید این پیران و آمریکا به صورت مستقیم مذاکره صورت بگیرد. پس از اینکه این اتفاق رخ داد نیز کشورهای دیگر توافق را امضا کردند. در دولت آقای رئیسی ایران تا ابتدا و تا جمع زیادی از مطالبات وارد مذاکرات شد. با این‌وجود هرچه بیشتر از مذاکرات گذشت رویکرد ایران عقلایی‌تر شد و از برخی مواضع خود عقب‌نشینی کرد. شرایط داخلی کشور نیز در این موضوع نقش داشت. به همین دلیل نیز در شرایط کنونی ایران تصمیم گرفته با کنار گذاشتن واسطه‌ها به صورت مستقیم با آمریکا مذاکره کند. دلیل دیگری که ایران به این نتیجه رسید که بهتر است به صورت مستقیم با آمریکا مذاکره کند سفر آقای رئیسی به سوچی بود.

> **تابوی مذاکره مستقیم با آمریکا در دولت آقای روحانی و توسط ظریف و جان کری شکسته شده است و دیگر مذاکره با آمریکا برای ما یک تابو نیست. جان کری و محمدجواد ظریف به عنوان وزرای خارجه دو کشور بارها با هم به صورت رودررو مذاکره کردند که تا قبل از آن سابقه نداشت**

این سفر چه نقشی در تغییر رویکرد ایران داشت؟

واقعیت این است که استقبال سرد روسیه از سفر آقای رئیسی به این کشور ما را به این نتیجه رساند که روسیه نمی‌تواند کشوری باشد که انتظارات ایران را به این نتیجه رسید که بهتر است به صورت مستقیم با آمریکا مذاکره کند سفر آقای رئیسی به سوچی بود.

این سفر چه نقشی در تغییر رویکرد ایران داشت؟

واقعیت این است که استقبال سرد روسیه از سفر آقای رئیسی به این کشور ما را به این نتیجه رساند که روسیه نمی‌تواند کشوری باشد که انتظارات ایران را به این نتیجه رسید که بهتر است به صورت مستقیم با آمریکا مذاکره کند سفر آقای رئیسی به سوچی بود.

در شرایطی که موضوع مذاکره مستقیم بین ایران و آمریکا مطرح شده گمانه‌زنی‌ها درباره مذاکره دائم یا موقت نیز همچنان وجود دارد. در شرایطی که ایران و آمریکا به صورت مستقیم با هم مذاکره کنند احتمال توافق موقت بیشتر است یا دائم؟

به توجه به نظام حقوقی که در آمریکا وجود دارد، ایران به صورت مستقیم با آمریکا مذاکره کند. اینکه مذاکره مستقیم ایران و آمریکا چگونه در چه فضایی و با چه رویکردی صورت خواهد گرفت موضوع جداگانه‌ای است. با این وجود توصیه من به مسئولان تصمیم گیر جامعه این است که ما حتی اگر بتوانیم یک روز نیز زودتر تحریم‌ها را برداریم به سود اقتصادی کشور خواهد بود. ایران باید این نکته را در نظر بگیرد که با توجه به ساختارهای حقوقی که در آمریکا وجود دارد اینکه ما به دنبال راستی آزمایی و تضمین برای عدم خروج روسای جمهور آینده آمریکا از برجام هستیم امکان‌پذیر نیست و در عمل به شکست منجر خواهد شد. بر اساس قانون اساسی آمریکا هر رئیس‌جمهور تنها مسئول تصمیماتی است که خود می‌گیرد و شرایط به شکلی نیست که تصمیم یک رئیس‌جمهور برای روسای جمهور بعدی لازم‌الاجرا باشد. در نتیجه بهتر است در مدتی که از ریاست جمهوری بایدن باقی مانده ما به یک توافق محکم و همه‌جانبه با آمریکا دست پیدا کنیم و کاری کنیم که راه‌های شکست چنین توافقی کاملا بسته شود. ایران باید از آمریکا این مطالبه گری را داشته باشد که با توجه به اتفاقی که در دوران ریاست جمهوری ترامپ رخ داد در صورت توافق جدید را نفوذ دیگری در توافق و وجود نداشته باشد و کسی نتواند دوباره و بدون پرداخت هزینه از برجام خارج شود. در انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا به احتمال زیاد باید دوباره به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا انتخاب نخواهد شد و در نتیجه شانس جمهوریخواهان برای ریاست جمهوری بیشتر خواهد شد. البته اینکه شانس ترامپ بیشتر باشد یا یک جمهوریخواه دیگر، بستگی به شرایط انتخابات خواهد داشت. توافق احتمالی ایران و آمریکا در شرایط کنونی می‌تواند سنگ بنای روابط این دو کشور در آینده باشد و سطح خصومت را کاهش بدهد. بدون تردید این اتفاق می‌تواند نوعی اعتمادسازی بین ایران و آمریکا به وجود بیاورد. در شرایط کنونی ایران و آمریکا راهی به جز مذاکره مستقیم برای مرتفع کردن مشکلات خود ندارند. به همین دلیل تصمیم هر دو طرف این است که مشکلات خود را از طریق مذاکره حل کنند.

در شرایطی که موضوع مذاکره مستقیم بین ایران و آمریکا مطرح شده گمانه‌زنی‌ها درباره مذاکره دائم یا موقت نیز همچنان وجود دارد. در شرایطی که ایران و آمریکا به صورت مستقیم با هم مذاکره کنند احتمال توافق موقت بیشتر است یا دائم؟

به توجه به نظام حقوقی که در آمریکا وجود دارد، ایران بازی نگیر که ظاهرا آمریکایی‌ها آن را قبول نکنند چون ساختار سیاسی‌شان این اجازه را به آنها نمی‌دهد. ایران هم تقریبا این را پذیرفته که آمریکا چنین تضمینی نمی‌تواند بدهد مگر اینکه همین روند را ادامه دهد. ظاهرا دو طرف به یک حالت حداقلی از لحاظ موضوعاتی که عمدتا بحث هسته‌ای است و از لحاظ زمانی با سقف حداکثر دو سال رسیده‌اند تا اجرا شده و اعتمادسازی شود و اگر دو طرف از وعده اجرا راضی بودند شاید گام بعدی را چه با ماندن آقای بایدن و چه با روی کار آمدن شخص دیگری جلو ببرند. به هر چهت این گام مثبتی است و می‌تواند تاثیر مثبتی بر بحث تنش‌ها و فشار اقتصادی بر کشورمان و بهبود روابط خارجی ایران ایجاد کند. ولی تا نقطه مطلوب و حداکثری خیلی فاصله است و دو طرف باید در مسائل اساسی و کلان تر به مذاکره بپردازند.

آمریکایی‌ها بارها از مذاکره مستقیم با ایران استقبال کرده‌اند و ایران نیز بر مذاکرات paper no یا بدون نوشته تاکید داشته است؛ اساسا سرعت مذاکره و رسیدن به توافق بدون وجود واسطه‌ها بیشتر مسیر است یا با حضور و نقش آنها؟

اگر واقعا اراده دو طرف به مذاکره و دستیابی به نتیجه است؛ این یک واقعیت است که در چهل و سه سال گذشته مشکل اصلی ایران با آمریکا بوده و در آمریکا نیز مهم‌ترین جریان تاثیرگذار جمهوری خواهان هستند و دموکرات‌ها تاثیر کمتری دارند. در داخل کشور نیز عمدتا اصولگرایان بیش از جریان رقیب شاید تعیین کننده‌تر باشند. لذا اگر ایران بخواهد مشکل خود را دنیای غرب حل کند اساسا باید با خود آمریکایی‌ها سر میز مذاکره بنشینند و یا به صورت کلانی که ظاهرا آمریکایی‌ها در چه فضایی و با چه رویکردی صورت خواهد گرفت موضوع جداگانه‌ای است. با این وجود توصیه من به مسئولان تصمیم گیر جامعه این است که ما حتی اگر بتوانیم یک روز نیز زودتر تحریم‌ها را برداریم به سود اقتصادی کشور خواهد بود. ایران باید این نکته را در نظر بگیرد که با توجه به ساختارهای حقوقی که در آمریکا وجود دارد اینکه ما به دنبال راستی آزمایی و تضمین برای عدم خروج روسای جمهور آینده آمریکا از برجام هستیم امکان‌پذیر نیست و در عمل به شکست منجر خواهد شد. بر اساس قانون اساسی آمریکا هر رئیس‌جمهور تنها مسئول تصمیماتی است که خود می‌گیرد و شرایط به شکلی نیست که تصمیم یک رئیس‌جمهور برای روسای جمهور بعدی لازم‌الاجرا باشد. در نتیجه بهتر است در مدتی که از ریاست جمهوری بایدن باقی مانده ما به یک توافق محکم و همه‌جانبه با آمریکا دست پیدا کنیم و کاری کنیم که راه‌های شکست چنین توافقی کاملا بسته شود. ایران باید از آمریکا این مطالبه گری را داشته باشد که با توجه به اتفاقی که در دوران ریاست جمهوری ترامپ رخ داد در صورت توافق جدید را نفوذ دیگری در توافق و وجود نداشته باشد و کسی نتواند دوباره و بدون پرداخت هزینه از برجام خارج شود.

مذاکرات احیای برجام را با توجه به اظهارات طرفین در خصوص در دسترس بودن توافق و پیشرفت کند در مذاکرات را چطور ارزیابی می‌کنید؟

مشکل ایران و غرب مشکلی راهبردی و پایه‌ای است و عمده اختلافات و مشکلات که ما داریم به مباحث بالادستی و اصول و مبانی باز می‌گردد که تا این وضعیت در دو طرف حسن به یک توافق پایدار و اساسی نخواهیم رسید. این موضوع را نیز طرف غربی و ایرانی می‌دانند. ولی ادعا و خواست دو طرف این است که فعلا در بخش هسته‌ای و افت و خیزهای برجامی که رخ داده به یک توافق مرضی‌الطرفین برسند که وضعیت را چه برای کاهش تحریم‌ها بر ایران و چه نگرانی‌های که غربی‌ها نسبت به برنامه هسته‌ای ایران دارند از این حالت خارج کند. خب این یک گام به پیش است و سیگنال‌ها و پیام‌هایی هم که دو طرف هم مسئولان و هم رسانه‌ها منعکس می‌کنند ظاهرا اختلاف حداکثری که چند ماه پیش مطرح بود و دو طرف خواسته‌های حداکثری داشتند و عملا یک بن‌بستی ایجاد شده بود این به واقعیت سوق پیدا کرد که هر دو طرف در واقعیات دست یافتنی خواسته‌ها را تقلیل دهند و چه از نظر صرفا بحث هسته‌ای و رها کردن سایر اختلافات در حوزه‌های دیگر و چه خواسته‌های حداکثری ایران که اصرار داشت مبنی بر ورود آمریکا به برجام، راستی آزمایی، تضمین و... ظاهرا به حالت بینابین تقلیل پیدا کرده و دو مسأله را پیش رو گذاشته است. یا اینکه این موافقتنامه دو ساله است به اندازه زمان باقی مانده از دولت آقای بایدن چون خواسته‌های ایران یک تضمین بلندمدت و عملی می‌خواهد که آمریکا در دولت بعدی مثل قبل توافق را به صورت پلکانی از مسائل کوچک به بزرگ با به صورت سبدی مسائل را حل کنند و الا این وضعیتی که ما با واسطه با آمریکایی‌ها که عمده مشکل را در گذشته و اکنون در تحریم و فشارها ایجاد کردند چندان قابل توجیه نیست. گرچه اروپایی‌ها در ظاهر و لفظ با آمریکا مخالفت کردند و در برجام ماندند. به رغم اینکه چینی‌ها و روس‌ها همکاری‌هایی با ایران می‌کردند اما باز هم مشکل ما با آمریکا بوده و هست. لذا تا زمانی که دولتمردان کشورمان این واقعیت را نپذیرند و با اصل مسأله رویه‌رو نشوند و در مسائل کلان پای میز مذاکره نروند اساسا مشکل حل شدنی نیست. البته؛ چرا می‌تواند به طور مقطعی مشکل را با یک تغییرات حداقلی را در این وضعیت فشار اقتصادی حل کند کند ولی تا زمانی که به آن مذاکره مستقیم و طرف‌ها و موضوعات اصلی حرکت نشود این مساله استمرار خواهد داشت. مثل مذاکرات جنگ سرد بین شوروی و آمریکا که از سالت ۱ و سالت ۲ شروع شد و گرچه فشارها از روی شوروی برداشته نشد و نهایتا به فروپاشی کشید اما توانست برای شوروی زمان بخرد. هر چند که مشکلات داخلی آنها هم عامل دیگری بود که به این مشکلات خارجی کمک کرد. به هر جهت تجربه مذاکرات شوروی و آمریکا، چین و آمریکا و خیلی از کشورهای دیگر درس‌های بسیار مفیدی برای ما است که از آنها استفاده کنیم و بهترین روش را که می‌تواند هزینه، زمان و خسارت کمتری را به مردم، اقتصاد و امنیت کشور وارد می‌کند را حل و فصل کنیم. کش و قوس دادن مذاکرات به سمت استخوان در زخم بیشتر به ضرر ایران است.

نوع موضع گیری روس‌ها در فعالیت بیش از حد در مذاکرات و تعامل ترونیکی اروپایی در مذاکرات را چگونه تحلیل می‌کنید؟

این واقعیت را باید بپذیریم که ۴۰۱ چه شرقی‌ها و چه غربی‌ها این اجماع را دارند که ایران را در منطقه کنترل کنند و نگذارند که ایران یک قدرت منطقه‌ای باشد. دلایل متعدد در این ۴ دهه و خصوصا در این دهه اخیر نیز وجود دارد. دلیل چهار قطعنامه‌ای است که آنها اجماع کردند و ایران را به زیر بند هفت منشور بردند و با مذاکراتی که کشور گرفت ما آن را در برجام قرار دادیم و بیرون آوردیم. این اراده عمومی ۴۰۱ است که ما باید به عنوان یک واقعیت بپذیریم. بنابر این آنها همچنان بر روی این مساله اجماع دارند که اراده‌ای که ایران دارد به عنوان قطب اول منطقه را اجازه نه‌دهند محقق شود. لذا هم آمریکایی‌ها به صراحت ایستاده‌اند، هم اروپایی‌ها و هم چین و روسیه می‌خواهند این اراده را بشکنند که نباید در آن کشور به کشور گرفت. اگر خلاف این تحلیل کنیم از واقعیت دور شدیم. بنابراین در این مذاکراتی که اروپایی‌ها و چین و روسیه وساطت می‌کنند همچنان مهار ایران را در اولویت دارند و با این وساطت مناقشاتی هم نیز به عنوان یک برگ چانه‌زنی برای حل اختلافات و مشکلات بین آمریکا و اروپا، روس‌ها و غربی‌ها و چین با ایران اولویت سوم آنهاست.

محمدعلی بصیری در گفت و گو با «آرمان ملی»:

طرفین بر جام خواهان یک توافق مرضی‌الطرفین هستند

کش و قوس دادن مذاکرات بیشتر به ضرر ایران است

ایران برای حل مشکل با آمریکایی‌ها به مذاکره بنشیند

آرمان ملی - سهیل ثابت: مذاکرات احیای برجام هر چند کند پیش می‌رود، اما همه طرفین در یک جهت و هدف واحد برای رسیدن به توافق حرکت می‌کنند و آنطور که از منابع نزدیک به مذاکرات و دیپلمات‌ها خبر می‌رسد شرایط برای رسیدن به یک توافق خوب و مطلوب فراهم است. چنانکه اخیرا نیز سخنگوی وزارت امور خارجه گفته در نزدیک‌ترین زمان به توافق قرار داریم. اما باین حال برخی معتقدند که ایران باید به طور مستقیم با آمریکا وارد مذاکره شود تا نتیجه بهتر و موثرتری حاصل شود. در این راستا برای بررسی مذاکرات احیای برجام، بحث مذاکرات دوجانبه و تاثیر ترونیکی اروپا و چین و روسیه بر مذاکرات «آرمان ملی» با محمدعلی بصیری کارشناس و تحلیلگر مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

مذاکرات احیای برجام را با توجه به اظهارات طرفین در خصوص در دسترس بودن توافق و پیشرفت کند در مذاکرات را چطور ارزیابی می‌کنید؟

مشکل ایران و غرب مشکلی راهبردی و پایه‌ای است و عمده اختلافات و مشکلات که ما داریم به مباحث بالادستی و اصول و مبانی باز می‌گردد که تا این وضعیت در دو طرف حسن به یک توافق پایدار و اساسی نخواهیم رسید. این موضوع را نیز طرف غربی و ایرانی می‌دانند. ولی ادعا و خواست دو طرف این است که فعلا در بخش هسته‌ای و افت و خیزهای برجامی که رخ داده به یک توافق مرضی‌الطرفین برسند که وضعیت را چه برای کاهش تحریم‌ها بر ایران و چه نگرانی‌های که غربی‌ها نسبت به برنامه هسته‌ای ایران دارند از این حالت خارج کند. خب این یک گام به پیش است و سیگنال‌ها و پیام‌هایی هم که دو طرف هم مسئولان و هم رسانه‌ها منعکس می‌کنند ظاهرا اختلاف حداکثری که چند ماه پیش مطرح بود و دو طرف خواسته‌های حداکثری داشتند و عملا یک بن‌بستی ایجاد شده بود این به واقعیت سوق پیدا کرد که هر دو طرف در واقعیات دست یافتنی خواسته‌ها را تقلیل دهند و چه از نظر صرفا بحث هسته‌ای و رها کردن سایر اختلافات در حوزه‌های دیگر و چه خواسته‌های حداکثری ایران که اصرار داشت مبنی بر ورود آمریکا به برجام، راستی آزمایی، تضمین و... ظاهرا به حالت بینابین تقلیل پیدا کرده و دو مساله را پیش رو گذاشته است. یا اینکه این موافقتنامه دو ساله است به اندازه زمان باقی مانده از دولت آقای بایدن چون خواسته‌های ایران یک تضمین بلندمدت و عملی می‌خواهد که آمریکا در دولت بعدی مثل قبل توافق را به

مذاکرات احیای برجام را با توجه به اظهارات طرفین در خصوص در دسترس بودن توافق و پیشرفت کند در مذاکرات را چطور ارزیابی می‌کنید؟

مشکل ایران و غرب مشکلی راهبردی و پایه‌ای است و عمده اختلافات و مشکلات که ما داریم به مباحث بالادستی و اصول و مبانی باز می‌گردد که تا این وضعیت در دو طرف حسن به یک توافق پایدار و اساسی نخواهیم رسید. این موضوع را نیز طرف غربی و ایرانی می‌دانند. ولی ادعا و خواست دو طرف این است که فعلا در بخش هسته‌ای و افت و خیزهای برجامی که رخ داده به یک توافق مرضی‌الطرفین برسند که وضعیت را چه برای کاهش تحریم‌ها بر ایران و چه نگرانی‌های که غربی‌ها نسبت به برنامه هسته‌ای ایران دارند از این حالت خارج کند. خب این یک گام به پیش است و سیگنال‌ها و پیام‌هایی هم که دو طرف هم مسئولان و هم رسانه‌ها منعکس می‌کنند ظاهرا اختلاف حداکثری که چند ماه پیش مطرح بود و دو طرف خواسته‌های حداکثری داشتند و عملا یک بن‌بستی ایجاد شده بود این به واقعیت سوق پیدا کرد که هر دو طرف در واقعیات دست یافتنی خواسته‌ها را تقلیل دهند و چه از نظر صرفا بحث هسته‌ای و رها کردن سایر اختلافات در حوزه‌های دیگر و چه خواسته‌های حداکثری ایران که اصرار داشت مبنی بر ورود آمریکا به برجام، راستی آزمایی، تضمین و... ظاهرا به حالت بینابین تقلیل پیدا کرده و دو مساله را پیش رو گذاشته است. یا اینکه این موافقتنامه دو ساله است به اندازه زمان باقی مانده از دولت آقای بایدن چون خواسته‌های ایران یک تضمین بلندمدت و عملی می‌خواهد که آمریکا در دولت بعدی مثل قبل توافق را به

غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی در گفت‌وگو با «آرمان ملی» مطرح کرد:

گلایه از مدیران نابلد تا بودجه تورمی سال آینده

مردم نباید احساس کنند پشتشان خالی است

عده‌ای در دولت دوره کار آموزی می‌بینند

آرمان ملی: با گذشت شش ماه از تشکیل دولت سیزدهم و تریبون‌های مهم‌تری در بررسی و قضاوت عملکرد دولتمردان امروز جامعه به بررسی و قضاوت عملکرد دولت سیزدهم نشسته تا ببینند دولتی که قرار بود تغییر را به نفع آنها رقم زند تا کنون چگونه عمل کرده است. این در شرایطی است که با شرایط بغرنج اقتصادی و معیشتی مردم ناگفته پیداست که دلت به آن اندازه که باید در این زمینه موفق نبوده است. مجلس نیز گویا اولویت‌های مهم‌تری از پرداختن به مشکلات مردم و حل و فصل آنها دارد. آنچه مسلم است اگر شرایط همین‌گونه پیش رود مشکلات افزایش خواهد یافت و دولت و مجلس برای جلوگیری از این مساله باید به فکر تغییر وضع موجود باشند. در این راستا برای بررسی عملکرد دولت، تعامل دولت و مجلس و تاثیر عملکردها بر رضایت مردم «آرمان ملی» با غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی رئیس فراکسیون مستقلین مجلس دهم و نماینده ادوار مجلس به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

عملکرد شش ماهه دولت سیزدهم و زیر مجموعه‌هایش را در چارچوب وعده‌ها چطور ارزیابی می‌کنید؟

از آنجا که در کشور حزب نداریم یک شخص می‌آید و یک شبه در مدتی کوتاه شعارها و برنامه‌هایی در جریان انتخابات می‌دهد و پیروز می‌شود. اما از آنجا که تیم مشخصی برای اداره دولت و تصمیم‌گیری در حوزه‌های مختلف ندارد، شرایط به گونه‌ای پیش می‌رود که چندان مطلوب نیست. وضعیت فعلی نیز دقیقا مثل همین رویه است. کابینه آقای رئیسی تقریبا بر خلاف شعارهای رئیس‌جمهور عمل می‌کنند. مثلا سازمان برنامه و بودجه کار خود را می‌کند و به نظر خودش در حال درست کردن اقتصاد کشور است و این وسط هم اگر چند لایه از مردم فه شدند برایش مهم نیست. البته این سازمان منکر جراحی اقتصادی نیست ولی توجه نمی‌کند که این کار چه هزینه‌ای برای کشور دارد. پس یک مساله شکاف عظیم و قابل توجه رئیس‌جمهور با خود شعارهای وی است. نکته بعدی اینکه مجموعه‌ای که اکنون بدایت طبق قانون اساسی نظارت کند مجلس است. مجلس هم که منفعل است و ظاهرا خود را باخته. وقتی ۲۲۰ نماینده مردم از یک نفر برای ریاست جمهوری دعوت می‌کنند امروز نمی‌توانند در قبال دولت گاه بگویند. به کرات گفتم که لایحه بودجه ۱۴۰۱ برای کشور مشکل ایجاد می‌کند و باعث افزایش مشکلات مردم خواهد شد. به عبارت دیگر بودجه ۱۴۰۱ مردم را به کف خیابان سوق می‌دهد. مجلس نیز با تصویب این کلیات که بالغ بر ۷۰۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه داشته و پیش بینی تورم ۵۰ درصد می‌کند پشت مردم را خالی کرده و مردم امروز بی‌پناهند. وقتی کابینه دولت اعتقادی به شعارهای رئیس دولت ندارد و برخلاف دولت عمل می‌کند و مجلس هم در خواب زمستانی است و هیچ حرکتی انجام نمی‌دهد طبیعی است خود مردم آستین بالا زده شاید کسی صدای آنها را شنید. لذا در مورد تغییری که گفته می‌شد به نفع مردم در حد مطلوب همگان رقم نخورده و مردم احساس می‌کنند که پشتشان خالی است.

نوع تعامل مجلس و دولت را از آنجا که روزی در مقام انتقاد و استیضاح روز را بر می‌آیند و روزی دیگر درصدد حمایت چگونه تحلیل می‌کنید؟

تعامل به این معناست که دشمنی و کینه‌ورزی نشود. در دو سال آخر دولت آقای روحانی رئیس‌جمهور از روی قرآن هم که می‌خواند مجلس ایران می‌گرفت که این غرض‌ورزی و کینه توزی بود. مجلس یکدست یعنی مجلس و دولت کار خود را انجام دهند و غرض‌ورزی و پهانه جویی نکنند و اتفاقا به هم کمک کنند. ولی جایی اگر دولت خلاف کرد مجلس بایستد. دولت از ۳۲۵ کالای اساسی ۱۸ تا را حذف کرد و به مجلس نگفت و مجلس نیز سکوت کرد. به نظر می‌رسد که اصلا دولت مجلس را نمی‌بیند و از مجلس رد شده و مجلس هم هیچ تحرکی از خود ندارد. جالب این است که نمایندگان مردم می‌آیند سخنرانی می‌کنند و فقط تعریف می‌کنند. در صورتی که تعریف کردن مشکلی ندارد تعریف کنند